

متن پرسش

سلام و احترام با عرض پوزش از مقدمه نسبتاً طولانی و در پی آن سوالی که مطرح می شود. در جنگ دوازده روزه و مخصوصاً در جنگ فعلی که وارد ماه دوم اون میشیم تب و تاب تشخیص و انجام وظیفه بالا گرفته. اینکه افراد با مشاغل و توانایی ها و نقش های مختلفی که دارند چطور میتوانند وظیفه خود را در قبال وطن، دین و تاریخ و زمانه حساسی که در آن قرار داریم به درستی تشخیص داده و انجام دهند و حس بودن و حضور در تاریخ گشوده شده پیش رو را بیش از پیش احساس کنند. در این راستا فعالین در حوزه های مختلف با تهیه جزوات، کلیپ، صوت و... تحت عنوان راهنمای کنش گری، سنگر تو کجاست و... تلاش می کنند نحوه کنش گری اقشار مختلف در وضعیت فعلی را تبیین کنند. از نحوه کنش گری و نقش آفرینی خانم خانه دار گرفته تا استاد دانشگاه و معلم نانوا و بقال و کارمند و... طبیعتاً در جنگ نظامی، نیروهای نظامی و انتظامی و بسیج و جهادی و تربیون داران و در وهله بعد، نیروهای امدادی، آتش نشانی، اورژانس، خدماتی و تعمیرات و... در خط مقدم قرار دارند و لذت حضور و بودن و حفظ سنگر خود در مقابله با هجمه دشمن را می کشند. به قول آن نانوا که خبر شهادت برادرش در جنگ ۱۲ روزه را شنید و در حین انجام پخت نان گفت: من سنگر خود را رها نمی کنم. با طرح این مقدمه سوال بنده این است که در شرایط پیش آمده وظیفه طلاب و دانشجویان، مخصوصاً دانشجویان علوم انسانی چیست؟ سنگر ما کجاست؟ ما که هنوز نه مخاطب خاص حقیقی یا مجازی داریم، نه تربیون داریم و نه دیگر میتوانیم بیخیال و بی نسبت با وضعیت موجود کما فی السابق به درس و بحث و مسئله هایی که داشتیم بپردازیم. می شناسم دوستانی را که به آب و آتش می زنند بلکه کاری کنند! یکی میرود آوار برداری! دیگری رفته کار با سلاح یاد بگیرد برای گشت های ایست و بازرسی، آن یکی وزن خود را کم می کند که اگر لازم شد به خارک برود! برخی هم خانه نشین شده و صبح تا شب در کانال ها می چرخند، خبر و تحلیل میخوانند و نهایتاً تشییع شهدا و شب در تجمعات شرکت می کنند. یکی از رفقای علوم اجتماعی خوانده و انقلابی تعریف می کرد که از خودم خجالت می کشم وقتی شب ها به تجمعات میروم و میبینم مردم مختلف با مشاغل مختلف از صبح تا شب مشغول به خدمت رسانی بوده اند و شب ها در اوج خستگی تا پاسی از شب در خیابان می مانند. اما ما که مدعی بودیم و همیشه رسالت بزرگی را بر دوش خود حس می کردیم و منتظر چنین روزهایی بودیم، به ناگاه خلع سلاح شدیم و گویی راه به روی ما به طور عجیبی بسته شده و کاری از دستان بر نمی آید جز اینکه همین شب ها در خیابان بیاییم و حسرت بخوریم که ای کاش ما هم می توانستیم کاری بکنیم. کار تا جایی پیش رفت که تردید کرده بود که اگر همان مسیر

مهندسی را ادامه داده بود شاید امروز بیشتر به درد می خورد. بار دیگر پوزش می طلبم از طرح مقدمه و سوال نسبتاً طولانی. دردلی بود از بچه حزب‌اللهی‌های حوزوی و علوم انسانی خوانده‌ای که این روزها یتیم شده‌اند و در عین اینکه فرصت حضور و بودنی تا بی نهایت فراهم شده، رنج نبودن و بی اثری را تجربه می‌کنند. در پایان ذکر این فرمایشات امام شهیدمان شاید خالی از لطف نباشد: رهبر شهید انقلاب رضوان‌الله‌علیه: «طلبه‌ها باید در صفوف مقدّم باشند. اگر جنگ پیش می‌آید، طلبه باید در صفوف مقدّم جنگ باشد. و این را ارزش قرار بدهید؛ این حقیقتاً یک ارزش است. آن کسی که در حوزه‌ی علمیّه مشغول درس‌خواندن است، به مجرد این‌که اذان حرب، اذان جهاد بلند شد، می‌شتابد به سمت جهاد فی‌سبیل‌الله. این اصلاً قیمت ندارد. بهترین عناصر طلبه آن کسی است که همین روحیه را در خود داشته باشد و بپروراند که مشمول آن حدیث «مَنْ لَمْ يَغْزُ وَ لَمْ يُحَدِّثْ نَفْسَهُ بِالْغَزْوِ» نشود. اگر هم عملاً وارد میدان جنگ نمی‌شود، دلش برای میدان جنگ بجوشد. حالا یک مانعی پیش آمده و نمی‌تواند برود؛ اما دلش آن‌جا باشد؛ [یعنی] «حَدَّثَ نَفْسَهُ بِالْغَزْوِ» باشد. این ارزش بسیار والایی است؛ این روحیه باید زنده بماند. در حوادث گوناگون انقلاب، طلبّاب حاضر و آماده [باشند]. مسئله‌ی آمریکا پیش می‌آید، اظهار نفرت از دشمنان و مستکبرین پیش می‌آید، مسائل خلیج فارس پیش می‌آید، مسائل گوناگون دیگری پیش می‌آید، طلبه اوّل کسی باشد که احساس کند مسئولیتی دارد و آن مسئولیت را استفسار کند و ببیند چیست؛ و هنگامی که مشخص شد، در جای مسئولیت خودش باشد. و این‌ها با طلبگی می‌سازد. تصوّر نشود که خب، اگر این‌جور بخواهند [عمل] بکنند، پس کی درس می‌خوانند. درس را همیشه می‌خوانند. جنگ که همیشه نیست؛ راه‌پیمایی که همیشه نیست، حضور در صحنه‌های ضروری که هر ساعت نیست. درس هم باید بخوانند؛ بی‌درس و بی‌تحقیق و بی‌مباحثه، طلبه معنای خودش را از دست می‌دهد.» (بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب حوزه علمیه قم - ۱۳۶۹/۱۱/۰۴)

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عنایت داشته باشید که مهم در درک تاریخی است که پیش آمده. عرضی که در فراز آخر پاسخ سؤال شماره ۴۱۴۲۲ بدان پرداخته شد که آن امر بسیار مهمی می‌باشد در معنای جایگاه شکست جبهه مقابل و جایگاه پیروزی ما نسبت به آن که دشمنان‌مان با عدم دستیابی به اهدافشان پیروز نشده‌اند و وظیفه اهل اندیشه بخصوص طلاب و دانشجویان عزیز در این‌جا تذکر به این امر مهم است و آینده‌ای که ما در راستای این تاب‌آوری خواهیم داشت. اگر به جنگی که پیش آمده متوجه نامتقارن بودن جنگ ما با جبهه استکبار و صهیونیسم نشویم، وسعت و فراوانی اسلحه‌های آن‌ها ما را مرعوب می‌کند. در حالی‌که ما اهداف دیگری را در مقابله با استکبار و صهیونیسم دنبال می‌کنیم که مقابله با فرهنگ نژادپرست غرب می‌باشد و مبارزه ما با آن‌ها موجب می‌شود تا آن‌ها از صحنه تصمیم‌گیری برای جهان خارج شوند و از این جهت حتماً پیروزی از آن جبهه‌ای است که ایران

در آن حاضر شده و در این حضور است که به جای حذف غزه، اسرائیل و آمریکا حذف می‌شوند. ما در حادثه‌ها جایگاه خاصی را می‌توانیم برای خود معلوم کنیم و آن سبک و سلوکی است حاکی از وقار و امیدواری و هر آنچه که پیش آمد تا چنین سبک و سلوکی را نشان دهیم حتی اگر مانند خود رهبر شهید و به گفته خود ایشان: «حَدَّثَ نَفْسَهُ بِغَزْو» باشد.

بنابراین در یک کلمه وظیفه اهل فکر و اندیشه آن است که متذکر درک عمیق و تاریخی حضوری باشد که خداوند برای ما مقدر کرده، امری که شهید آوینی در تبیین جایگاه دفاع مقدس به عهده گرفت زیرا مردم به عنایت الهی در صحنه حاضر شده‌اند ولی تذکر به این امر به معنای خودآگاهی می‌باشد که در دل آگاهی‌ها باید از آن غفلت نکرد. موفق باشید